

به سوی خاتمه جنگ های بدون پایان ؟

## شیر جوان پنجشیر

نویسندگان: AKRAM BELKAID & MARTINE BULARD

برگردان: شهباز نخعی

در پایان مارس - آغاز آوریل گذشته، زنان و مردان سیاسی برای حضور در عکس گرفتن با احمد مسعود سر و دست می شکستند. از خانم آن ایدالگو، شهردار پاریس تا خانم والرئ پکرس، رئیس منطقه ایل دو فرانس گرفته تا آقای امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری و چند نامزد احتمالی دیگر ریاست جمهوری فرانسه... همه مشتاق این بودند که در عکس یادگاری با احمد مسعود جوان که به پاریس سفر کرده بودند باشند. پسر فرمانده احمد شاه مسعود، در معیت برنارد هانری لوی همیشه در صحنه، شخصیت محبوب پاریسی ها شده بود.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

شش ماه بعد، کسانی که از پذیرفتن شکست ایالات متحده و متحدانش طفره می روند، از نو به نام معتبر مسعود روآورده اند که گویا قرار است برای «غرب» پس از شکست هایش کسب آبرو کند و طالبانی که در طول ۲۰ سال جنگ دوام آورد را عقب براند. در مطلبی که در ۱۶ اوت ۲۰۲۱ در روزنامه لوموند منتشر شد، خانم ایدالگو «با هشدار برنارد هانری لوی (BHL)» موضوع را آغاز کرد و با دعوت به «با روشن بینی به آینده نگرستن» اطمینان داد که ما باید به هر طریقی که شده راه کابل را درپیش بگیریم» (مقاله «راه کابل» را بخوانید). چند روز بعد، در نشریه لو پوئن (۱۹ اوت)، خانم پکرس که مصرا یادآوری می کند که «با پسر فرمانده مسعود در چند ماه پیش دیدار کرده»، یادآور شد که باید «به جنبش مقاومت (... ) از راه حمایت سیاسی، مالی و تدارکاتی کمک شود». سلاح، دلار، پهپاد، اینها نغمه هایی آشنا است! اریک سیوتی، نماینده مجلس که او نیز نامزد جناح راست برای انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری است، همراه با یک گروه متشکل از ۲۰ تن از نمایندگان مجلس، مشعل را به دست گرفته و خواهان «ارسال تسلیحات و مهمات» برای حمایت از جنبش مقاومت «نیروهای احمد مسعود» شدند (نشریه فیگارو، ۲۶ اوت). کدام نیروها، شامل چند تیپ؟ نباید خود را با پرداختن به این جزییات ناراحت کرد... مسعود مقاومت می کند و این کافی است.

برنارد هانری لوی (BHL) هم به مدد شجاعت خود یک شب کامل را سرگرم گفتگوی تلفنی با «پسر فرماده افسانه ای مسعود» بود که «در دره پنجشیر پناه گرفته (... ) و از دنیا جدا مانده (البته بدون BHL) و طالبان او را محاصره کرده است». در مصاحبه ای توهم آلود، که در نشریات پاری ماچ و لا رگل دو ژو منتشر شد، از احمد مسعود خواسته شد که به همه دنیا اطمینان بدهد که «مانند پدرش شایستگی، قاطعیت و شجاعتی

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

آرام و عمیق دارد». اگر، چنان که چندین روزنامه خارجی افشا کرده اند «او با طالبان مذاکره می کند»، این کار برای چانه زنی نیست چون «هزاران تن در حال پیوستن به ما هستند» (پاری ماچ، ۲۸ اوت - ۱ سپتامبر).

درواقع، شایستگی اصلی این جوان ۳۲ ساله (به گفته خانم ایدالگو)، پسر «شیر پنجشیر» یعنی احمد شاه مسعود بودن است که در سپتامبر ۲۰۰۱ توسط تروریست های القاعده کشته شد و مورد ستایش تحلیل گران قرار گرفت. احمد جوان، که ناگزیر راه تبعید را درپیش گرفت، به بهترین مدارس خارجی از جمله کالج معتبر کینگز لندن و آکادمی نظامی سلطنتی سندهرست - که در انگلستان «آکادمی شاهزاده ها» نامیده می شود - رفت. او از نخستین سال های جوانی در سایه نام پدر برای آن آموزش دید که پیگیر راه او باشد. او که هوادار استقرار یک «جمهوری اسلامی میانه رو» است، در سال ۲۰۱۶ ازدواج کرد زیرا بنا بر سنت و آئین های مذهبی، به گفته یکی از مشاورانش «تا زمانی که مجرد باشد جدی گرفته نمی شود. ازدواج مرحله ای الزامی برای ورود به سیاست است» (فیگارو، ۴ سپتامبر ۲۰۱۹). اما در کابل بازگشت «شیر جوان پنجشیر» تغییر چندانی در وضعیت نداد و تعداد کمی از افغان ها در انتظار او بودند...

البته، او «جبهه ملی مقاومت» (CNR) را ایجاد کرده، اما این جبهه فقط در منطقه زادگاهش (که ۱۵۰ هزار نفر در برابر ۳۸ میلیون افغان جمعیت دارد) دارای نفوذ است و طالبان راه های دسترسی به این منطقه را مسدود کرده است. به ویژه، چنان که رومن میلکارک، فرستاده ویژه لوموند دیپلماتیک به کابل، که با احمد مسعود جوان دیدار کرده می گوید: «۲۰ هزار نفری که او مدعی است آماده نبرد هستند» فقط «داوطلبانی آموزش ندیده با دست خالی هستند که از آنها انتظاری نمی توان داشت» (مقاله «از کابل تا قندهار، دور از چشم دوربین ها» را بخوانید). صحرا کریمی، سینماگر افغان مانند بسیاری دیگر به این نیروها باور چندانی ندارد: «به نظر من بعید است که این گروه به مقابله مسلحانه بپردازد، چرا که در زمانی که می بایست به

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

نبرد با طالبان نپرداخت» (مصاحبه با پی یر باربانسی، نشریه اومانیت، ۲۶ اوت - ۱ سپتامبر ۲۰۲۱). علاوه بر این، مردم از جنگ خسته اند.

این که مسعود جوان بخواهد مقاومت کند و بکوشد حمایت مالی و نظامی از خارج به دست آورد قابل پذیرش است. آنچه بیش از حد تعجب برانگیز است این است که رهبران فرانسه نه متوجه مسخره (پس از ۲۰ سال جنگ) و نه خطرناک بودن این مقاومت باشند. «شیر جوان پنجشیر» بیش از هر چیز وارث یک اسطوره یعنی پدر خود است که آن نیز درخور بازنگری است.

البته، احمد شاه، ملقب به «مسعود» با رهبری یک شورش مسلحانه علیه اشغالگری اتحاد شوروی (۱۹۸۹-۱۹۷۹) خود را نشان داد. او که فرزند یک افسر عالی رتبه ارتش سلطنتی افغانستان بود، به عنوان یک دانشجوی «میان رو» در دانشگاه کابل در رشته معارف اسلامی تحصیل کرد و سپس تحصیلات خود را در رشته مهندسی ادامه داد و به تدریج شبکه ای اداری در شمال کشور ایجاد کرد و نفوذ خود را تا پایتخت بسط داد. نیروهای مسلح او ۷ تهاجم بزرگ ارتش سرخ را به عقب راندند و این امر موجب شد که او لقب «شیر پنجشیر» را به دست آورد.

با این همه، او چندان توجه «غربی ها» - به استثنای رسانه های فرانسوی - را جلب نکرد و سهم کوچکی از کمک نظامی آمریکا به مجاهدین افغان را دریافت می کرد. در واقع، از نظر آمریکا، که زیر نفوذ دستگاه ها مخفی پاکستان بود، مسعود به عنوان یک تاجیک نمی توانست مردم کشوری که اکثرا پشتون (حدود ۴۰ درصد جمعیت افغانستان) بودند را پشت سر خود جمع کند. پاکستانی ها به او هم سلاح تحویل می دادند

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

اما میزان آن کمتر از دیگر گروه‌ها از جمله گلبدین حکمتیار - رقیب او در دانشگاه و سپس دشمن سرسختش - بود. او همواره علاقمند به این بود که مکرر بدگمانی خود نسبت به «غربی‌ها» را توضیح دهد و ترجیح می‌داد که روی نیروهای خود و شرکای قابل اعتمادتر محلی مانند ایران، یا پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوری‌های مسلمان جداشده از آن حساب کند.

پس از خروج نیروهای اتحاد شوروی از افغانستان، مسعود در چندین دولت ائتلافی که در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ در افغانستان تشکیل شد شرکت کرد. او به ویژه به مقام وزارت دفاع رسید. در طول این دوران بود که او بخشی از محبوبیت خود را از دست داد و با مشارکت - و حتی مصالحه - با شبه نظامیان دیگر، به ویژه گروه حکمتیار (که در ماه اوت ۲۰۰۸ فرمان کشتار اوزبیک را داد که در آن ۱۰ سرباز فرانسوی کشته شدند) نتوانست مانع لغزیدن کشور در سراشیب جنگ داخلی شود. مردان او متهم به غارت کابل و باج ستانی به ویژه از اقلیت شیعه هزاره شدند.

در زمینه مذهبی، با آن که او در قیاس با حکمتیار یا طالبان - که در سال ۱۹۹۶ به قدرت رسید - یقیناً یک «میان‌رو» بود، ولی با عضویت در حزب اسلامی «جمعیت اسلامی» فرد مترقی‌ای که ستایشگران فرانسوی از او تصویر می‌کنند نبود. او هرگز از معیارهای اسلامی فاصله نگرفت و هیچ‌گاه خود را به عنوان یک اصلاح طلب یا حتی مترقی معرفی نکرد. البته او خواهان گسترش آموزش برای افغان‌ها بود، اما از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ حزب او واکنش چندانی نسبت به جنایات انجام شده به نام اسلام و سنت توسط شماری از گروه‌ها نشان نداد.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۱

در سال ۱۹۹۶، پس از به قدرت رسیدن طالبان - که با آن جنگیده بود- به دره پنجشیر پناه برد و طالبان هرگز نتوانست او را از آنجا براند. با این حال، ایالات متحده که در آن زمان به برقراری رابطه بازرگانی با طالبان امیدوار بود (مطلب «پذیرایی از طالبان در هوستون» را بخوانید)، کمک چندانی به او نکرد و دو کشور با نفوذ عرب - عربستان سعودی و امارات متحده عربی- از حمایت او خودداری کردند. ترور او دو روز پیش از سوء قصدهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد و دنباله ماجرا را همه می دانند.